



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



باورداشت مهدویت

مجموعه آثار آیت الله العظمی
میرزا محمد باقر مجلسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	باورداشت مهدویت
۱۲	اشاره
۱۴	باورداشت مهدویت
۱۴	اشاره
۲۴	الهام گیری از باورداشت مهدویت
۲۸	اساس عقیده به مهدویت
۳۰	کتاب های مستقل درباره مهدویت
۳۳	اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث
۳۴	اسامی برخی از مشاهیر از تابعین
۳۴	اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله
۳۶	چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت
۳۶	اشاره
۳۸	چهل حدیث
۶۲	درباره مرکز

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: باورداشت مهدویت/ لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۶ص.

فروست: سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۳.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۲۹۸۲۹

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۳

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳)

باورداشت مهدویت

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ص: ۴

سلسله مباحث امامت و مهدویت

نام کتاب: باورداشت مهدویت

مؤلف: آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اوّل / بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۹۷۳ ۳۰۷ ۴

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۰۲۵۱

قم صندوق پستی: ۶۱۷

فهرست مطالب

باورداشت مهدویت

باورداشت مهدویت ●●● ۹

الهام گیری از باورداشت مهدویت ●●● ۱۹

اساس عقیده به مهدویت ●●● ۲۳

کتاب های مستقل درباره مهدویت ●●● ۲۵

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث ●●● ۲۸

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین ●●● ۲۹

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام ●●● ۲۹

از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ●●● ۲۹

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

چهل حدیث ●●● ۳۳

ص: ۷

باورداشت مهدویت

اشاره

بدون شک "عقیده به مهدویت" و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت، باوری صرفاً اسلامی است که براساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن (۱) احادیث وارده در این باب حکم نموده اند.

این باورداشت، به عنوان اندیشه ای اسلامی، بر پایه قوی ترین برهان های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تأیید بر صحت متانت آن به شمار می رود و هیچ یک از مسلمانان چه از شیعیان و چه از اهل سنت به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از افراد تازه به دوران رسیده که تحت تأثیر تبلیغات غربیان قرار گرفته و در دام های استعمار گرفتار آمده و فرهنگ

۱- متواتر به معنی "پیایی"؛ و در اصطلاح حدیث شناسی، به احادیث متعدده ای گفته می شود که روایت کنندگان آن در هر طبقه، به گونه ای زیاد باشند که از مجموع روایات آنها "علم عادی" به صدور آن کلام از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر: اختلاف راویان و تعدد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السلام به حدی باشد که توافق آنان بر "کذب" و همدستی آنان در "جعل خبر" ممکن نباشد.

را جز با انکار الهام و روایات قطعیه و یا تعریف و تأویل آن در چهارچوب مقاصد منکرین دیانت و مادی گرایان تفسیر و تحلیل نمی کنند.

این کژاندیشان بدین وسیله کوشیدند تا دری را بگشایند که اگر خدای نخواستہ گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنت و استناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سنت باقی نمی ماند و آیین شریف اسلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله براساس خواسته بدعت گذاران و هواپرستان، دست خوش تغییر و تحریف قرار می گیرد.

به راستی اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کارآزمودگان و نام آوران این رشته در گذشته و حال به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که "خبر واحد" (۱) شمرده می شوند، یا حداقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟

گروهی از اندیشمندان اسلامی نسبت به این گونه منحرفین از کتاب و سنت، که با جرأت و جسارت نسبت به ساحت قدس خداوند و پیامبر گرامی اش علیه السلام، به ایجاد شک و تردید و تحریف در اصل مسلم مهدویت پرداخته اند، اعلام خطر نموده و کتاب ها و مقالاتی را در رد و ابطال نظریات آنان نگاشته اند.

۱- "خبر واحد"؛ خبری است که نقل کننده آن، یک یا چند "راوی" باشد، تا آنجا که به حد "تواتر" نرسیده باشد. و در اصطلاح حدیث شناسی، تقسیم بندی های مختلف و اقسام گوناگونی دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با "راوی" عبارتند از: «صحیح، حسن، موثق و ضعیف».

آنچه مسلم است اینکه: در پس پرده این توطئه، جز دست های پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی باز می داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می بست و اکنون نیز به خوبی پیداست که چیزی جز سست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی ها به قرآن مجید و روایات شریفه نیست، که راه نفوذ و سلطه را بر بیگانگان گشوده است! خداوند ما را از فتنه های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار در امان بدارد.

قابل ذکر اینکه: در تضعیف "باور مهدویت" و احادیث مربوط به آن، اثری از پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین نیز ذکری از آن به میان نیامده است. و خنده آور است که این بی خبران و غرب باوران که به شدت از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمین دور هستند گاهی دایه مهربان تر از مادر شده، و این عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین مسلمانان و قیام علیه حکومت ها و موجب تبلیغات سیاسی دانسته اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره ای از احادیث این باب است، استناد کرده اند. (۱)

۱- از جمله این اختلافات، اختلاف بر سر نام "پدر" بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام است که در پاره ای از روایات اهل سنت، عبارت «اسم ابیه اسم ابی» به حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اسمه اسمی و کنیته کنیتی» افزوده شده است. به این معنا که: «نام مهدی همان من، و کنیه او همانند کنیه من، و اسم پدر او مانند اسم پدر من است» و یا اختلاف بر سر زمان تولد و مدت عمر و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سنت قابل بررسی بوده و نظر مشهور شیعه نیز بر طبق احادیث وارده در همان کتاب ها قابل اثبات است.

و همه اینها، از عجیب و غریب ترین نوع استدلالاتی است که در ردّ سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله به آن تمسک شده است. از آن رو که:

أولاً: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اول اسلام، و بر اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله اولین پایگاه برای نشر "عقیده به مهدویت" در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیلی قوی تر و محکم تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی ترین و معتبرترین کتاب های اهل سنت است؟!

و چه برهانی روشن تر از اجماع علمای مسلمین، و این که آنان هیچ کس از مدعیان مهدویت را با استناد به "عدم صحّت ظهور مهدی علیه السلام" ردّ نکرده اند؛ بلکه در ردّ ادّعیای چنان افرادی، به "عدم وجود صفات و نشانه های خاص مهدی علیه السلام در آنها" استناد کرده اند، چنان که حکایت "محمد بن عجلان" با "جعفر بن سلیمان" و آنچه فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره آنان گفته اند، شاهدی آشکار در این زمینه به شمار می رود. (۱)

۱- جریان محمد بن عجلان در کتاب "البرهان فی علامت مهدی آخرالزمان" ص ۱۷۴ نقل شده است. محمد بن عجلان یکی از فقهای مدینه بود که در زمان حکومت بنی عباس با مردی به نام محمد بن عبدالله محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت کشته بود، محمد بن عجلان را احضار کرد و بعد از تحقیق درباره بیعت او با محمد بن عبدالله، دستور داد که دست او را ببرند، و گفت: این دستی که با دشمن من بیعت کرده است، باید بریده شود. فقهای مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد؛ چون فقیه است و برطبق روایات خیال کرده که محمد بن عبدالله بن محض، همان "مهدی امت" است. از این رو با او بیعت کرده و قصد دشمنی با تو را نداشته است.

پس اگر این همه احادیث، با توجه به فراوانی و تواتری که دارند و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسلامی بر مضمون این احادیث صورت گرفته است، نتواند دلیل بر صحّت و استواری "عقیده به مهدویت" باشد، پس به کدامین دلیل می توان استناد کرد؟ و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان اثبات نمود؟

ثانیا: شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع صورت نگرفته باشد. حتی می توان گفت که: نزاع ها و درگیری ها پیرامون مسائل خداشناسی و نبوت پیامبران الهی علیهم السلام نیز، بیش از مسئله "مهدویت" به وقوع پیوسته است، چنان که بین مکتب اشاعره و غیر آنان، و بین پیروان مذاهب اهل سنت (شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی) و غیر آنان، درگیری ها؛ بلکه جنگ های خونین بسیار اتفاق افتاده است.

بلکه می شود گفت: بر سر مفاهیمی همچون "عدالت" و "امنیت"

و سایر مفاهیمی که همه انسان ها بر لزوم آن اتفاق نظر دارند، و بر سر تحقق آنها و یا دفع کسانی که آنها را وسیله ای برای مقاصد سیاسی خویش قرار می دادند، جنگ های خانمان برانداز و معرکه های خونینی در گرفته است. و چه بسا که تعداد قربانیان بشریت، که به اسم "اقامه حق" و "رعایت عدالت و برابری" و "حمایت از آزادی انسان و حقوق او" به خاک و خون غلطیده اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد.

نتیجه اینکه: پوشیده شدن حق به باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگرچه از طرف اهل باطل و منحرفین، بسیار صورت می گیرد؛ لکن به حق ضرری نمی رساند و خدشه ای وارد نمی کند، چنان که خداوند بزرگ می فرماید:

«بَلْ نَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»؛ (۱)

«بلکه ما حق را بر باطل می افکنیم تا آن را در هم شکافد و باطل را نابود گرداند، آن زمان باطل از بین رفته و باطل شدنی است، و وای بر شما از آنچه درباره خداوند توصیف می کنید».

علاوه بر اینکه باید توجه داشت: فریب خوردن عوام و قبول ادعای دروغین دجال گونه های مدعی مهدویت (۲) توسط آنان، در بیشتر موارد

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۸.

۲- تعداد کسانی که در طی تاریخ اسلام، ادعای مهدویت داشته و به انگیزه های مختلف، به دروغ خود را "قائم آل محمد علیهم السلام" معرفی کرده اند، یا برخی از مریدان آنها، این عنوان را به دروغ بر ایشان تبلیغ و ترویج کرده اند، بیش از پنجاه نفر می باشد.

به خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان و ویژگی های خاصی است که برای ایشان در احادیث گوناگون^(۱) مورد تصریح قرار گرفته است، و گرنه در این باب، جایی برای گمراهی و گمراه ساختن دیگران وجود ندارد.

این وظیفه علما و اندیشمندان است که "عقیده به مهدویت" را تبیین کنند و هدف های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی ها و نشانه هایی را که به وسیله آنها "حضرت مهدی موعود علیه السلام" از دغل پیشگان مدعی "مقام مهدویت" باز شناخته می شود، برای توده مسلمانان برشمارند و توضیح دهند.

ثالثاً: یکی از فرق هایی که بین احادیث متواتره و غیره متواتره^(۲) وجود دارد، این است که: در "متواتر لفظی تفصیلی"^(۳) یقین و باور قطعی نسبت به صدور آن حدیث معین از ناحیه معصومین علیهم السلام به عین همان

۱- برای شناختن این خصوصیات، از حیث اصل و نسب و سیمای ظاهری و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حیث علامات و معجزات و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می توان به کتاب هایی که در این باب نوشته شده؛ همچون مهدی موعود، منتخب الاثر و ... مراجعه نمود.

۲- غیر متواتر؛ اعم از خبر یک یا چند راوی، و اعم از اینکه قرآینی بر صحت و صدور آن از معصوم علیه السلام وجود داشته یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان "خبر واحد" است.

۳- احادیث بسیاری با اسناد گوناگون و به وسیله راویان مختلف، از معصومین علیهم السلام نقل شده اند؛ اما همگی آنها از حیث مضمون و لفظ کاملاً یکسان بوده و در تعابیر و کلمات، هیچ اختلافی با هم ندارند؛ چنان که همه این راویان، اتفاق دارند بر اینکه: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «أني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و عترتي».

کلمات و الفاظ موجود در متن حدیث حاصل می شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری که با همین خصوصیات، مفاد معنایی خلاف^(۱) حدیث اول داشته باشد؛ که در این صورت باید به وسیله ایجاد موافقت بین دو معنا و جمع بین دو حدیث به وسیله حمل عام بر خاص (تخصیص عام) و حمل مطلق بر مقید (تقیید مطلق) و یا حمل ظاهر بر اظهر (تقدیم اظهر) و مانند اینها، تنافی و اختلاف ظاهری و ابتدایی بین دو روایات را حل کرد.

اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت از اعتبار ساقط گردیده و هیچ کدام صلاحیت برای استناد حکمی به آن را نخواهد داشت.

اما در "متواتر اجمالی"^(۲)؛ اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون

۱- این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه ای نیست که با هم تضاد و تناقضی داشته باشند. بلکه یکی از آن دو به عنوان شرط یا قید یا خصوصیتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می باشد.

۲- احادیث متعدده ای که اگرچه در الفاظ و تعابیرشان اختلافاتی وجود دارد؛ اما به خاطر کثرت راویان، به گونه ای هستند که می توان علم اجمالی پیدا کرد به اینکه حداقل یکی از آنها با همین الفاظ و کلمات وارده در حدیث از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلاً در بعضی از این گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مؤمن آن را نقل کرده باشد، حجت است. و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد، حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت کننده آن، عادل باشد، حجت است. در اینجا علم پیدا می کنیم که حداقل یکی از این روایت ها، صحیح و صادر شده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص تر از بقیه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به عبارت دیگر: بقیه روایات هم آن را به نوعی تأیید می کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می نماییم. در مثال مذکور، آخرین دسته این روایات؛ یعنی حجت بودن "خبر عادل" است؛ زیرا اگر راوی عادل باشد، حتما مؤمن و راستگو هم هست، و دو دسته قبلی آن را شامل می شوند.

احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به آن روایتی که از همه روایت‌های آن مجموعه، اخص است و شمول کمتری دارد، اخذ می‌شود.

امّا در "متواتر معنوی"^(۱)؛ به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتفاق کلّ آن مجموعه است، اخذ می‌شود.

بنابراین، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث، زیانی به متواتر بودن آنها نمی‌زند؛ بلکه در احادیث غیر متواتر نیز، این اختلاف متن، ضرری به صحّت آن "حدیث صحیحی" که بین آنهاست، وارد نمی‌کند؛ زیرا در این صورت هم روایت صحیح تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن

۱- مجموعه ای از احادیث که همگی بر معنایی خاصّ یا حکمی معین "دلالت مشترک" دارند، اگرچه در الفاظ و تعابیر با یکدیگر اختلاف دارند. به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که به طور قطع و یقین، مضمون و متن و الفاظش، همگی از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده است. مثل روایت‌هایی که درباره کیفیت جنگ‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام با الفاظ و تعابیر و مضامین گوناگون وارد شده‌اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی نظیر برای مولا علی علیه السلام متفق هستند و مثل حکایات فراوان و نقل‌های متفاوتی که درباره بخشش و کرم حاتم طایی در کتاب‌های مختلف وجود دارد که از همگی آنها به آنه که قدر مشترک و مضمون عامّ بین همه آنهاست، یقین و علم قطعی پیدا می‌شود و آن، وجود حاتم در زمانی که زمان‌های گذشته و دارا بودن جود و بخشش بسیار توسط او می‌باشد.

حدیث یا به خاطر تأیید مضمون آن توسط شواهد و قرآینی خاص، نسبت به حدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می گیرد.

این امور را، جز کسانی که در علم حدیث شناسی دارای تجربه و مهارت کافی باشند، باز نمی شناسند، و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی باید همه احادیث متعارض کنار گذاشته می شد، لازم بود که کلیه روایات یا حداقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشند، که نتیجه اش تغییر چهره دین اسلام در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود؛ زیرا کمتر موضوعی در عقاید و احکام و تاریخ و تفسیر قرآن کریم و مانند آنها پیدا می شد، که احادیث وارد شده در آن موضوع، بدون اختلاف و تعارض باشند؛ اگرچه تعارضی "ناپایدار" به "عموم و خصوص" یا "اطلاق و تقیید".

بنابراین، در از بین بردن این تعارضات ابتدایی که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود دارد، و در تشخیص حدیث درست از نادرست و حدیث قوی از ضعیف و روایت معتبر از غیر معتبر، تنها راه این است که به قواعد و مقرراتی که در نزد عقلا و اندیشمندان معتبر است، استناد گردد و به خبرگان و اشخاص صلاحیت دار رجوع شود و بدین وسیله بعضی از احادیث را به بعضی دیگر بازگردانده و در صورت امکان جمع بین روایات و عمل به روایتی که از نظر سندی یا مضمونی قوت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنت ثابت شده و مانند آن،

موافق تر است، به این قاعده عمل شود و از ردّ کردن روایت و نادیده گرفتن آن خودداری گردد.

نتیجه کلام اینک: اخبار و روایاتی که درباره "مهدویت" از معصومین علیهم السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی بحث و بررسی شود، چنان که احادیث متواتره ای داریم، مورد عمل قرار گیرد، و در اخبار غیر متواتره نیز، بعضی به بعضی تقویت شده، و برخی، برخی دیگر را تفسیر کند، و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قرائن و بقیه موارد تأیید معتبر، در آن عمل شود.

از این رو می توان گفت: هیچ کسی احادیث وارده در باب "عقیده به مهدویت" را مردود و شبهه دار نمی پندارد، مگر ناآگاهان به صناعت حدیث شناسی، یا آگاهانی که تحت تأثیر تبلیغات باطل و فتنه های گمراهی آفرین استعمارگران، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنی برخاسته اند.

الهام گیری از باورداشت مهدویت

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عقیده ای است که امید می آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می کند، سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد، حرکت های اصلاح گرانه و اسلام خواهانه را تشویق می کند، و جان های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می نماید.

[دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقّق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها آمده است،

دست نیافته است. آینده از آن اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکمروا باشد و همه ستمگری ها و حقّ کشی ها را از بین ببرد.

دنیا به زودی به دامن اسلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می خورد. نور اسلام هر روز روشن تر، و پرتوی آن هر روز درخشان تر از قبل در همه دنیا احساس می شود.

شکست نظام های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک آلود غیر انسانی، و عدم موفقیت برنامه های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی، و ناکام ماندن این سیاست ها در تحقق اهداف انسانی، و از بین بردن جهل و ستم و کینه جویی ها و نژادپرستی ها، روز به روز دل ها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه های الهی آن که یگانه راه حلّ مشکلات بشریت است مشتاق تر می سازد.

بشریت سرگردان امروز، هرگز گم شده خود را در نظام های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت؛ بلکه این نظام ها و مکتب های غیر الهی، برای انسان امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشا، منکرات، فساد، گردن فرازی و استکبار نداشته است.

"اعتقاد به مهدویت" درک ما را نسبت به "کرامت انسان" بیدار می کند

و این باور را که: «زمین، نه از آن ستم پیشگان و استعمارگران؛ بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوای پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامی اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت و آیین حق برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است» تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل های ما جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید و برپا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام و امداد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسؤلیت هایی که برعهده داریم، مورد بازخواست قرار می دهد.

خدای تبارک و تعالی که راستگوترین است در این باره می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۱)

«اوست که رسول گرامی اش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد، اگرچه ناخوشایند مشرکین باشد».

و می فرماید:

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَيْسَ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۱)

«خداوند به کسانی که شما که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنان که پیشینیان آنان را خلافت بخشید و دینی را که بر ایشان پسندیده است، اقتدار و تمکین دهد و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا پرستند و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند، و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان به شمار آید».

و چنان که می فرماید:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (۲)

«ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم».

و باز چنان که می فرماید:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»؛ (۱)

«کلمه و تقدیر ما از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود قبل از انگیزش آنان به پیامبری بر این قرار گرفته که همانا آنان یاری شدگانند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافتگانند».

اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا به حاکمیت اسلام و فرامین الهی، و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود، و خلافت مؤمنان و شایستگان در زمین، و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت، و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اولیه ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریت از ذلت بندگی مردم به سوی عزت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به ودیعت نهاده شده است.

اینکه می بینیم: دنیا به سوی جامعه ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی؛ یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام و ملیت های مختلف را میسر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملت ها و قومیت های گوناگون، آن

را مانند اهل شهری؛ بلکه محله ای واحد قرار داده است؛ همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می رود؛ یعنی همان طور که بشریت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تأسیس جوامع شهرنشین، براساس وحدت منطقه یا منافع سیاسی یا اقتصادی یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلط بر دیگری است، یقیناً در همین سیر رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طایفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت دست پیدا خواهد کرد که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساوی اند.

ما مسلمانان، همچنان که همه خبرهای غیبی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داریم و چنان که به فرشتگان خدا و کتاب ها و پیامبران او ایمان داریم، و آنچه را که از جزئیات و تفصیلات معاد و بهشت و دوزخ و مانند آن که جز به وسیله وحی و خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل اثبات نیست به ما خبر داده اند، تصدیق می کنیم، همین طور به وعده خداوند نیز که آن را در کتاب مجیدش خطاب به ایمان آورندگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر راستگو و امین ما آن را به آگاهی ما رسانده است ایمان داریم و نسبت به تحقق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی دهیم و از خدا می خواهیم که ما را

بر این عقیده و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد.

«رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ (۱)

«پروردگارا! بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دل های ما راه مده و از جانب خویش رحمتی خاص به ما عنایت کن، که همانا تو بسیار بخشنده و عنایت کننده ای.»

کتاب های مستقل درباره مهدویت

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اهتمامی خاص داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب "سین" و "مسانید" و "جوامع" و غیره، کتاب های روایی مستقل و مجموعه های احادیث خاص در این زمینه فراوان نگاشته اند.

از آن میان، ما به افزون از سی کتاب که به شکل مستقل، به کوشش بزرگان اهل سنت در این باره تألیف شده است، آگاهی یافتیم که به عنوان نمونه می توان از کتاب های "البیان فی اخبار صاحب الزمان" و "القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر علیه السلام" و "عقد الدرر"

و "العرف الوردی" و ... نام برد. این کتاب ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می کنند، این است که "باورداشتِ مهدویت" باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنت نبوی صلی الله علیه و آله برمی گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین به آن اعتقاد داشته اند و اختصاصی به مذهبی خاص از مذاهب مختلف مسلمین ندارد.

اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام «حضرت محمد صلی الله علیه و آله» است، و اینکه آیین او هرگز نسخ نخواهد گشت و اینکه حضرت مهدی علیه السلام چنان که در کتاب "المهدی" از "سنن ابوداود" آمده و احادیث صحیحہ متعددی به آن تصریح دارند دوازدهمین جانشین اوست. آخرین نفر از جانشینانی است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارت همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در "مسند احمد بن حنبل" و "صحیح بخاری" و "صحیح مسلم" و غیر آنها نقل شده است، مورد اعتراف همگان است.

هر کس بخواهد به میزان قوت و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در «عقیده به مهدویت» قرار گرفته، آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مؤلفین و جمع آورندگان آنها را دریابد، و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار ببیند، باید به کتاب های "جوامع"، "سنن"، "مسانید" و کتاب های "تفسیر"، "تاریخ"، "رجال"، "فرهنگ نامه ها"، "لغت نامه ها"

و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که برشمردن همه این احادیث و کتاب های مربوطه کاری بسیار دشوار است.

ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب ها که پیرامون این موضوع نگاشته شده، سخن می گوئیم و به عنوان نمونه ای از این گونه تألیفات و به عنوان دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتاب های دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می پردازیم. این کتاب "البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام" (۱) نام دارد.

اما کتاب و مؤلف آن، هر دو بی نیاز از تعریف هستند؛ زیرا خود کتاب از کتاب های مشهور و معروف است که نسخه خطی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب با استفاده از تصویربرداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجدالحرام در مکه مکرمه عرضه شده است و ما خود نیز نسخه خطی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم از یادگارهای مرحوم مغفور آیت الله العظمی بروجردی حفظ و نگهداری می شود، مشاهده کرده ایم.

مؤلف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور «علی بن حسام الدین بن عبدالملک المتقی الشاذلی المدینی الهندی» متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. وی نویسنده ای معروف است و شرح حالش

۱- این کتاب که متأسفانه تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنت، درباره حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و نشانه های ظهور ایشان جمع آوری شده است.

در کتاب هایی که پیرامون زندگی نامه های علما و بزرگان اهل سنت نگاشته شده است، موجود است. چنان که در مقدمه و نسخه چاپ شده همین کتاب نیز شرح زندگانی و آثار و مقامات او درج گردیده است.

برخی از آنچه در این کتاب آمده و برآنینم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتاب های "جامع"، "سنن" و "مسانید" که احادیث مربوط به "عقیده به مهدویت" را در کتاب های خویش روایت کرده اند، و مؤلف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است، و نیز اسامی گروهی از علمای مشهور و تابعینی (۱) که پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این احادیث و اخبار را روایت کرده اند و نیز اسامی گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل حدیث کرده اند.

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث

۱ طبرانی ۲ ابونعیم اصفهانی ۳ خطیب بغدادی ۴ ابن ابی شیبه ۵ نعیم بن حماد، یکی از اساتید امام بخاری صاحب "صحیح بخاری" ۶ الحاکم ۷ احمد ۸ مارودی ۹ بزّاز ۱۰ ترمذی ۱۱ دارقطنی ۱۲ ابن ماجه ۱۳ ابویعلی موصلی ۱۴ ابن عساکر ۱۵ مسلم ۱۶ ثعلبی ۱۷ ابوداود ۱۸ ابن جوزی ۱۹ ابن ابی اسامه ۲۰ تمام بجلی ۲۱ رویانی ۲۲ ابن منده ۲۳ حسن بن سفیان شیبانی ۲۴ عثمان بن سعید

۱- تابعین به کسانی گفته می شود که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده اند؛ لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از پیامبر می زیسته اند، همنشینی و مصاحبت داشته و از آنان نقل روایت نموده اند.

دانی ۲۵ ابوالحسن حوبی ۲۶ ابن کثیر ۲۷ ابن سعد ۲۸ واقدی ۲۹ ابوبکر بن مقری ۳۰ ابن مناوی ۳۱ ابوغنم کوفی ۳۲ ابن مردویه ۳۳ ابن خزیمه ۳۴ ابو عوانه ۳۵ ابوبکر اسکافی ۳۶ دیلمی ۳۷ قرطبی ۳۸ ابن لهیعه ۳۹ ابوبکر احمد بیهقی ۴۰ ابوالحسن آبری ۴۱ ابن حبان ۴۲ ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه.

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین

۱ عاصم بن عمرو بجلی ۲ سعید مسیب ۳ ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام ۴ اسحاق بن یحیی ۵ شهر بن حوشب ۶ زهری ۷ مطر الوراق ۸ طاووس ۹ صباح ۱۰ عمرو بن علی ۱۱ مکحول ۱۲ کعب بن علقمه ۱۳ قتاده ۱۴ عبدالله بن حارث ۱۵ محمد بن حبیر ۱۶ ارطاه بن منذر ۱۷ حکم بن عینه ۱۸ ابوقبیل ۱۹ ابن ابی طلحه ۲۰ کثیر بن مرّه ۲۱ ابن سیرین ۲۲ مجاهد ۲۳ خالد بن سعد ۲۴ ابومریم ۲۵ شریک ۲۶ ابوارطاه ۲۷ ضمیره بن حبیب ۲۸ حکم بن نافع ۲۹ خالد بن معدان ۳۰ محمد بن حنفیه ۳۱ سدی ۳۲ سلیمان بن عیسی ۳۳ بقیه بن ولید ۳۴ ولید بن مسلم ۳۵ قیس بن جابر ۳۶ عمرو بن شعیب ۳۷ ابن شوذب ۳۸ دینار بن دینار ۳۹ معمر ۴۰ فضل بن دکین ۴۱ سالم بن ابی جعد ۴۲ محمد بن صامت ۴۳ حکیم بن سعد ۴۴ ابراهیم بن میسر ۴۵ ابوامیه.

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱ علی بن ابی طالب ۲ عمار بن یاسر ۳ حذیفه یمانی ۴ ابوسعید

خدري ۵ طلحه بن عبیدالله ۶ ابن عمر ۷ عبدالله بن مسعود ۸ جابر بن عبدالله ۹ عبدالرحمان بن عوف ۱۰ عمر بن خطاب ۱۱ ابن عباس ۱۲ ابوهريره ۱۳ انس بن مالک ۱۴ ابوامامه ۱۵ هلالی ۱۶ ابوطفیل ۱۷ الحسن علیه السلام ۱۸ الحسین علیه السلام ۱۹ ثوبان ۲۰ ابی بن کعب ۲۱ جابر بن سمره ۲۲ جابر صدقی ۲۳ عبدالله بن عمرو بن عاص ۲۴ عمرو بن عاص ۲۵ ام سلمه ۲۶ عایشه ۲۷ اسماء بنت عمیس ۲۸ ام حبیبه.

در اینجا بعد از ذکر اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث و نیز به منظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند:

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا حَسَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقِيهَا»؛^(۱)

«هر کس از امت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را به عنوان فقیه محشور می فرماید».

وعده داده شده است،^(۲) در صدد برآمدیم که چهل حدیث از احادیث نقل شده در این کتاب را که افزون از دوست حدیث می باشد در این نوشتار ذکر نماییم. وما توفیقی الا بالله.

۱- از فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله .

۲- از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس متوفی سال ۴۱۲ هجری قمری مراجعه نمایند.

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

اشاره

چهل حدیث

۱ احمد و ابن ابی شیبیه و ابن ماجه و نعیم بن حمّاد در کتاب "فتن"، از علی علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ»؛^(۱)

«مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود».

۲ ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از امّ سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛^(۲)

«مهدی علیه السلام از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیها السلام».

۳ حاکم و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«نَحْنُ سَبْعَةٌ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا وَحَمْرَةُ وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ»؛^(۳)

۱- ص ۸۹، باب ۲، ح ۱.

۲- ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲.

۳- ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۳.

«ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی».

۴ ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ مَذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَلِيَّ الْمَهْدِيُّ»؛^(۱)

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند که مهدی علیه السلام در پی آید».

۵ طبرانی در الاوسط از طریق عمرو بن علی روایتی را از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد:

«أَمَّا الْمَهْدِيُّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بَلْ مِنْنَا؛ بِنَا يَخْتُمُ اللَّهُ كَمَا بِنَا فَتَحَ، وَبِنَا يَسْتَنْقِذُونَ مِنَ الشِّرْكِ، وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ مَبِينَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشِّرْكِ»؛^(۲)

«آیا مهدی از بین ماست یا از بین دیگران؟ یا رسول الله! در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنان که به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل های

۱- ص ۹۰، باب ۲، حدیث ۵.

۲- ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۷.

مردم الفت و پیوند ایجاد می کند، بعد از آنکه به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدایی افتاده باشد».

۶ نعیم بن حمّاد و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمْنا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيُّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ فَقَالَ: لَا بَلْ مِنَّا، يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتِحَ بِنَا، يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشِّرْكِ، وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ، وَبِنَا يُضَيِّحُونَ بَعِيدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَضَيَّحُوا بَعِيدَ عِدَاوَةِ الشِّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ»؛ (۱)

«گفتم: ای رسول خدا! آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل محمد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنان که گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند چنان که از شرک نجات یافتند، و به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم الفت و پیوند ایجاد می کند، و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر شدند».

۷ حارث بن ابی اسامه و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضَ الظُّلْمَ وَعُدْوَانًا، ثُمَّ لَيَخْرُجَنَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ عُدْوَانًا وَظُلْمًا»؛ (۱)

«زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند چنان که پر از دشمنی و ستم شده باشد».

۸ طبرانی در کتاب «الکبیر» و ابونعیم از ابن مسعود نقل کرده اند که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَخُلُقَهُ خُلُقِي، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ (۲)

«مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۹ ابونعیم از حذیفه نقل کرده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَيُيْحِ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ، يَفْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ؛ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ لِيَصَانَهُمْ بِلِسَانِهِ، وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ وَجَنَانِهِ. فَمَاذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعِيدَ الْأَسْلَامَ عَزِيزًا قَصَمَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُضِلِّحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا. يَا حَذِيفَةَ! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا

۱- ص ۹۱ و ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۰.

۲- ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۱.

يَوْمَ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي رَجُلٌ، تَجْرِي الْمَلَا حِمَّ عَلَى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْأَسْـِـلَامَ وَلَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»؛ (۱)

«وای بر این امت از پادشاهان ستمگر! مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمان بری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان باایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد؛ اما در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد. پس اگر خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عناد پیشه ای را درهم خواهد شکست و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی اصلاح فرماید و حالشان را نیکو گرداند ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به دست او پیشامدهایی عجیب به وقوع می پیوندد و خداوند به دست او اسلام را پیروز می کند و در وعده هایش خلاف نمی کند و او محاسبه گری سریع است».

۱۰ حسن بن سفیان و ابونعیم از ابوهریره نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ، لَيَمْلِكُ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»؛ (۱)

«اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد، خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید».

۱۱ روینی در کتاب مسند خویش و ابونعیم از حذیفه نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَجَسَدُهُ إِسْرَائِيلِيٌّ، عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ»؛ (۲)

«مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، رنگ رخساره اش، رنگ عرب ها و اندامش، اندام اسرائیلی هاست، (۳) بر گونه راستش خالی هست که مانند ستاره ای درخشان است. زمین را از عدالت پر می سازد چنان که از ستم و حق کشی پر شده باشد. در زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسمانیان و پرندگان فضا راضی و خوشنود خواهند بود».

۱۲ ابونعیم از حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند:

۱- ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۳.

۲- ص ۹۳ و ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۶.

۳- یعنی از نظر جثه و طول قامت مثل آنهاست.

«يا بَيْتَهُ! الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ»؛^(۱)

«ای دخترک من! مهدی از فرزندان توست».

۱۳ ابن عساکر از حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنْشِرِي يَا فَاطِمَةُ! الْمَهْدِيُّ مِنْكَ»؛^(۲)

«ای فاطمه! تو را بشارت باد که مهدی علیه السلام از نسل تو است».

۱۴ طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم از هلال یا هلالی نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مِنْهُمَا يَغْنَى الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ. إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَمَرَجًا، وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلَ، وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغيرًا وَلَا صَغيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا، يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتِيحُ حُصُونَ الصَّلَاةِ وَقُلُوبًا غَفْلًا؛ يَقُومُ بِالدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَيَمْلَأُ الدُّنْيَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا»؛^(۳)

«سوگند به آن که مرا به حقیقت مبعوث گردانید! مهدی این امّت از نسل این دو نفر است اشاره به حسن و حسین علیهما السلام زمانی که دنیا آشفته گردد و فتنه ها ظاهر شوند و راه ها کوتاه

۱- ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۲- ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۳- ص ۹۴ و ۹۵، باب ۲، حدیث ۱۹.

گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند که نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند و نه خردسالان به بزرگسالان احترام نهند، در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیدار می کند و در آخرالزمان دین را به پا می دارد، چنان که من در ابتدا آن را به پا داشتم و دنیا را از عدالت پر می سازد چنان که از ستم پر شده باشد».

۱۵ نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام و عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي، يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِي»؛^(۱)

«مهدی مردی از خاندان من است، او بر طبق سنت من با مخالفین می جنگد چنان که من بر طبق وحی الهی می جنگیدم».

۱۶ نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِّنَّا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛^(۲)

«مهدی علیه السلام مردی از نسل ما از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است».

۱۷ طبرانی از عوف بن مالک نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۱.

۲- ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۳.

«يَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ، تَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛ فَإِنْ أَدْرَكَتَهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ»؛ (۱)

«فتنه ای سخت تیره و تاریک فرا می رسد، فتنه ها پشت سر هم بر مردم وارد می شوند، تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند که مهدی خوانده می شود. اگر او را دریافتی پیروی او باش تا از هدایت یافتگان باشی».

۱۸ دانی از حکم بن عیینه نقل کرده است که گفت: به محمد بن علی عرضه داشتم: شنیدم که از نسل شما مردی ظهور می کند که در این امت عدالت را برپا می دارد، فرمود:

«إِنَّا نَرْجُو مَا يَرْجُو النَّاسُ، وَإِنَّا نَرْجُو مَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَكُونَ مَا تَرْجُوهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ، وَقَبْلَ ذَلِكَ فِتْنٌ شَرٌّ؛ فِتْنَةٌ يُمَسِي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، وَيُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَيُمَسِي كَافِرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ - وَلْيَكُنْ مِنْ إِجْلَاسِ بَيْتِهِ»؛ (۲)

«همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند، امید بسته ایم و امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی کند که آنچه را این

۱- ص ۱۰۳، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۲.

۲- ص ۱۰۴، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۷.

امّت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد و قبل از آن بدترین فتنه ها پدید می آید، چنان که شخصی از برخی مردم، در شب مؤمن است و صبح که می شود کافر شده است، یا در صبح مؤمن است و شب که می رسد کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما به چنین فتنه ای گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند».

۱۹ امام ابو عبدالله نعیم بن حماد در کتاب الفتن از عمار بن یاسر نقل کرده است:

«إِذَا قَتَلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةَ، وَأَخُوهُ تَقْتُلُ بِمَكَّةَ ضَيْعَةً، نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَنْ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ وَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ حَقًّا وَعَدْلًا»؛ (۱)

«زمانی که نفس زکیه کشته شود و برادرش در مکه به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده ای از آسمان ندا دهد که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است؛ کسی که زمین را از حقیقت و عدالت آکنده سازد».

۲۰ طبرانی در کتاب الاوسط از طلحه بن عبیدالله، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ مِنْهَا جَانِبٌ، حَتَّى

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛^(۱)

«فتنه ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه آرام نگرفته که طرف دیگری بر می شورد قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آن که قسمتی دیگر از آن برمی آشوبد تا آن که ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است.»

۲۱ ابونعیم و خطیب در کتاب "تلخیص المتشابه" از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: إِنَّ هَذَا مَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ»؛^(۲)

«مهدی قیام می کند در حالی که بالای سر او فرشته ای ندا می دهد: این مهدی است از او پیروی کنید.»

۲۲ ابونعیم از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حَبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ»؛^(۳)

«زمانی که ندادهنده ای از آسمان ندا می دهد که: حق در خاندان محمد صلی الله علیه و آله است. در آن هنگام نام مهدی بر زبان های مردم

۱- ص ۷۱، باب ۲، حدیث ۱.

۲- ص ۷۲، باب ۲، حدیث ۲.

۳- ص ۷۳، باب ۱، حدیث ۴.

آشکار می گردد و محبت او را به دل می گیرند و از غیر او یاد نمی کنند».

۲۳ نیز او (نعیم بن حماد) از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فِي الْمَحْرَمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ [خَلْقِهِ فُلَانٌ] فَاسْمَعُوا لَهُ، أَطِيعُوهُ فِي سَنَةِ الصَّوْتِ الْمُعْمَعَةِ»؛ (۱)

«در ماه محرم، ندا کننده ای از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که برگزیده خدا از میان خلائق فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید در سالی که جنگ ها و فتنه ها فراوان است و سال صدای آسمانی است».

۲۴ از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«تُخْتَلَفُ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةٌ بِالْمَغْرِبِ وَرَايَةٌ بِالْجَزِيرَةِ وَرَايَةٌ بِالشَّامِ؛ تَدُومُ الْفِتْنَةُ بَيْنَهُمْ سِنَةً. ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ وَمَا يَفْعَلُهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ، ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ وَمُبَايَعَةَ النَّاسِ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَقَالَ: يَسِيرُ بِالْجِيُوشِ حَتَّى يَسِيرَ بِوَادِي الْقُرَى فِي هُدُوءٍ وَرَفْقٍ، وَيَلْحَقُهُ هُنَاكَ ابْنُ عَمِّهِ الْحَسَنِيُّ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفِ فَارِسٍ، فَيَقُولُ لَهُ: يَا بَنَ عَمِّ! أَنَا

أَحَقُّ بِهَذَا الْجَيْشِ مِنْكَ، أَنَا ابْنُ الْحَسَنِ وَأَنَا الْمَهْدِيُّ. فَيَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: بَلْ أَنَا الْمَهْدِيُّ. فَيَقُولُ لَهُ الْحَسَنِيُّ: هَلْ لَكَ مِنْ آيَةٍ فَأَبَايَعُكَ؟ فَيَوْمِي الْمَهْدِيُّ إِلَى الطَّيْرِ فَيَسِيْقُ عَلَى يَدَيْهِ، وَيَغْرِسُ قُضَيْبًا فِي بُقْعِهِ مِنَ الْأَرْضِ فَيُخَضِّرُ وَيُورِقُ، فَيَقُولُ لَهُ الْحَسَنِيُّ: يَا بَنَ عَمِّي هِيَ لَكَ؛^(۱)

«سه پرچم به مخالفت با یکدیگر برافراشته شود؛ پرچمی در مغرب و پرچمی در عربستان و پرچمی در شام، و فتنه و جنگ بین آنها یک سال طول می کشد سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد، یاد کرد و پس از آن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود و فرمود: لشکریان خویش را حرکت می دهد تا در کمال آرامش و مدارا به وادی القری می رسند. در آنجا پسرعمویش (۲) سید حسنی همراه با دوازده هزار سوار به او می رسد و می گوید: ای پسرعمو! من به فرماندهی این لشکر سزاوارتر از تو هستم؛ زیرا من فرزند امام حسن علیه السلام هستم

۱- ص ۷۶ و ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۵.

۲- از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سید حسنی که از نسل امام حسن علیه السلام است حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان پسرعمو خطاب می کند، می توان استفاده کرد که: قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از نسل امام حسین علیه السلام می باشد، چنان که عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت است، و در کتاب های مختلف از جمله منتخب الاثر مجموعه ای از روایات اهل تسنن و تشیع در این باره نقل شده است.

و مهدی من هستم. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: بلکه من مهدی هستم. حسنی می گوید: آیا تو را نشانه و معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی علیه السلام به پرنده ای اشاره می نماید و پرنده در دست هایش قرار می گیرد و نبی خشکی را می گیرد و در زمین می کارد بلافاصله سبز می شود و برگ می دهد. آن زمان «سید حسنی» به او عرض می کند: ای پسر عموی من! این مقام سزاوار توست».

۲۵ نعیم و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَيْثَا»؛ (۱)

«هنگامی که آخرالزمان شود و یأس و ناامیدی رخ نماید و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که مهدی نامیده می شود و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است».

۲۶ ابونعیم از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ لَيُبَعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِثْرَتِي رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَائَا أَجْلَى الْجِبْهَةِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، يَفِيضُ الْمَالَ فَيْضًا»؛ (۲)

۱- ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۳.

۲- ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۲.

«هنگامی که آخرالزمان شود یأس و ناامیدی و قحطی رخ نماید به تحقیق خداوند مردی از خاندان مرا برخواهد انگيخت، دندان های پیشینش فاصله دار و جینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد و مال فراوان می بخشد».

۲۷ احمد و مسلم از ابوسعید و جابر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُقَسِّمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ»؛^(۱)

«در آخرالزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می کند».

۲۸ حدیقه یمانی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت درباره قضیه حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام خانه کعبه و خروج او به سوی شام فرمود:

«وَجَبْرَائِيلُ عَلَى مَقْدَمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ، يَفْرُخُ بِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ»؛^(۲)

«و جبرئیل در رأس پیشاهنگان لشکر و میکائیل در رأس دنباله داران لشکر او قرار دارند، آسمانیان و زمینیان و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی به ظهور او شاد می شوند».

۱- ص ۸۳، باب ۱، حدیث ۲۸.

۲- ص ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۶.

این روایت را ابوعمر و عثمان بن سعید مقرئ نیز در کتاب «سنن» خود نقل کرده اند.

۲۹ احمد و باوردی در کتاب المعرفه و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بُشْرَاكُمْ بِالْمَهْدِيِّ! رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَزَلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَيَرْضَى عَنِ سَاكِنِ السَّمَاءِ وَسَاكِنِ الْأَرْضِ، وَيُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنًى، وَيَسِيءُ لَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى إِنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: مَنْ لَهُ حَاجَةٌ؟ مَنْ لَهُ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، يَأْتِيهِ يَسْأَلُهُ فَيَقُولُ: إِنَّتِ السَّادِنَ يُعْطِيكَ. فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمَهْدِيِّ إِلَيْكَ لَتُعْطِيَنِي مَالًا فَيَقُولُ: احْثِ! فَيَخْرِي، فَلَا يَسِيءُ تَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ. فَيَلْقَى حَتَّى يَكُونَ قَدْرَ مَا يَسِيءُ تَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيَخْرُجُ بِهِ وَيَنْدِمُ، فَيَقُولُ: أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، كُلُّهُمْ دَعَى إِلَى هَذَا الْمَالِ فَتَرَكَهُ غَيْرُهُ، فَيُرَدُّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: إِنَّا لَا نَقْبَلُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ، فَيَلْبَثُ فِي ذَلِكَ سِتًّا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، وَلَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ»؛ (۱)

«شما را به مهدی بشارت باد! مردی از قریش از بین امت من،

در زمانی که مردم با هم به مخالفت و ستیز بر می خیزند و زلزله ها روی می دهد، او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد چنان که از ظلم و جور پر شده باشد. آسمانیان و ساکنان زمین از او راضی و خشنود می شوند. او مال را به درستی و برابری بین مردم تقسیم می کند و دل های اُمّت محمّد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی می آکند و عدالت او همگان را شامل می شود، تا آنجا که فرمان می دهد منادی ندا در دهد: کیست که نیازی داشته باشد؟ پس هیچ کس جز یک مرد به نزد او نمی آید. آن مرد نزد او می آید و درخواست می کند، می فرماید: به نزد نگهبان پرده دار برو، به تو [نیازت را] می دهد. به نزد او می رود و می گوید: من فرستاده مهدی هستم، نزدت آمده ام که مالی به من عطا کنی. پس می گوید: بریز و آن قدر از مال به دامنش می ریزد که نمی تواند آن را حمل کند. پس مال را بیرون می برد، در حالی که پشیمان است و با خود می گوید: من طمع کارترین و حریص ترین فرد از اُمّت محمّد صلی الله علیه و آله بودم، همه آنان به این مال فراخوانده شدند؛ اما جز من کسی آن را قبول نکرد. پس باز می گردد و پول ها را به نگهبان پس می دهد. او می گوید: ما چیزی را که به کسی بخشیدیم، بازپس نمی گیریم. پس آن حضرت، در چنان حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می کند و بعد از او، خیری در زندگانی نیست».

۳۰ نیز او (نعیم بن حمّاد) از عبدالله از ابوسعید، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا، أَجَلِي الْجِبْهَةِ أَقْنِي الْأَنْفِ»؛ (۱)

«مهدی از نسل ماست، گشاده پیشانی است و وسط بینی او قدری برآمده است».

۳۱ نعیم بن حمّاد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ؛ مِنْهَا فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ يَكُونُ فِيهَا حَزْبٌ وَهَرَبٌ، ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنَةٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ، كُلَّمَا قِيلَ: انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ، وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا مَلَّتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عَثْرَتِي»؛ (۲)

«پس از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد؛ یکی از آن فتنه‌ها، فتنه تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ‌ها و گریزها به وقوع می‌پیوندند، و بعد از آن فتنه‌ای سخت‌تر و پس از آن فتنه‌ای دیگر خواهد بود. هرچه گفته می‌شود: دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می‌یابد، تا جایی که هیچ خانه‌ای نمی‌ماند مگر آن که فتنه‌ای آن را در بر می‌گیرد، و هیچ مسلمانی نیست مگر آن که فتنه‌ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد، تا اینکه مردی از خاندان من قیام کند».

۱- ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

۲- ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

۳۲ نعيم از علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَيَمُوتَ ثَلَاثًا، وَيَبْقَى ثَلَاثًا»؛^(۱)

«مهدی قیام نخواهد کرد تا زمانی که یک سوم مردم کشته شوند، یک سوم دیگر بمیرند و تنها یک سوم آنها باقی بمانند».

۳۳ ابن ابی شیبیه نقل کرده است که گفت: فلانی مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله برایم روایت کرد که:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَقْتُلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ، فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ فَأَتَى النَّيَّاسُ، فَزَفُوهُ كَمَا تَزِفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهِ لَيْلَةَ عُرْسِهَا، وَهُوَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قَسِيطًا وَعِيدَلًا، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا وَتَمْطُرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا وَتَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمْهَا قَطُّ»؛^(۲)

«همانا مهدی علیه السلام قیام نخواهد کرد تا آن زمان که نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد، هر کس در آسمان و هر کس در زمین است، بر کشندگان او خشمگین می شوند، پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرخند چنان که در شب عروسی شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی علیه السلام زمین را از

۱- ص ۱۰۳ و ۱۰۴، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۴.

۲- ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۶.

عدل و داد پر می کند و امت من در زمان ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می شوند که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند».

۳۴ ابوعمر و دانی در کتاب «سنن» خویش از خذیفه نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ كَأَنَّمَا يَقَطِرُ مِنْ شَعْرِهِ الْمَاءُ. فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ! صَلَّى بِالنَّاسِ! فَيَقُولُ عِيسَى: إِنَّمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ، فَيُصَلِّي خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي»؛ (۱)

«مهدی علیه السلام متوجه می شود که عیسی بن مریم نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش آب می چکد. مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدای به تو به پا داشته شده. پس پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است، نماز می خواند».

۳۵ طبرانی در کتاب الاوسط و حاکم از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يُبَايِعُ الرَّجُلُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، فَيَأْتِيهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالِ أَهْلِ الشَّامِ، فَيَغْزُوهُ جَيْشٌ مِنْ

أَهْلِ الشَّامِ حَتَّى انْتَهَوْا بِالْبَيْدَاءِ خَسَفَ بِهِمْ»؛^(۱)

«عده ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد مهدی علیه السلام بین رکن و مقام کعبه بیعت می کنند، پس جمعی از بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام به یاری او می آیند. پس لشکری از اهل شام با او و یارانش می جنگند، تا به منطقه ای به نام بیداء می رسند، زمین آنان را (لشکر شام) را در خود فرو می برد».

۳۶ نعیم از محمد بن حنفیه نقل کرده است که گفت: نزد علی علیه السلام بودیم، پس مردی از او درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد، آن حضرت فرمود: هیئات، چقدر دور است! سپس با دستش نه عدد شمرد^(۲) و بعد فرمود:

«ذَلِكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَإِذَا قِيلَ لِلرِّجَالِ: اللَّهُ - اللَّهُ! قَاتِلْ؛ فَيَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ قَوْمًا قَرَعَا كَقَرَعِ السَّحَابِ يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْبِقُهُمْ أَحَدٌ، وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ، دَخَلَ فِيهِمْ عَلِيٌّ؛ عَمِدَهُ أَصْحَابُ بَيْدَرٍ، لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَعْوَلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، وَعَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا النَّهْرَ مَعَهُ»؛^(۳)

«او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که درباره اش

۱- ص ۱۱۷، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۱۸.

۲- این نه بار باز و بسته کردن دست یا شمردن نه عدد با دست (عقد بیده تسعا) چه مفهومی دارد؟ در این باره گفته شده است: حضرت علی علیه السلام به این وسیله خواستند اشاره ای داشته باشند به اینکه تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام نه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السلام است. از این رو، وقتی به نهمین شماره رسیدند، فرمودند: «ذَلِكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

۳- ص ۱۴۴، باب ۶، حدیث ۸.

گفته شود: خدا را! خدا را! که او کشته شده است،^(۱) پس خداوند برای او از جای جای زمین گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد و بین دل هایشان الفت و پیوند ایجاد می کند، به گونه ای که از هیچ کس نمی هراسند و به هیچ کس شادمان نمی شوند. به تعداد اصحاب بیدر در این گروه وارد می شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و پسینیان توفیق درک و وصول به آنان را نمی یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند که با او از نهر گذشتند».

۳۷ ابن ماجه و طبرانی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَوْطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»؛^(۲)

«مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می کنند».

۳۸ ابو غنم کوفی در کتاب فتن از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود:

۱- عبارت متن کتاب این است: «اللَّهُ اللَّهُ قِيلَ؛ یعنی خدا را! خدا را! گفته شده است»؛ لکن ظاهر این است که عبارت صحیح به این گونه باشد: «اللَّهُ اللَّهُ قُتِلَ؛ یعنی خدا را! خدا را! او کشته شده است». با این همه در کشف الاستار به گونه ای دیگر آمده است: «إذا قال الرجل: اللَّهُ تعالی قتل؛ یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است». و افزوده است که: حافظ ابو عبدالله حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که: این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می شود، اگرچه خود آن دو ذکری از آن ندارند.

۲- ص ۱۴۷، باب ۷، حدیث ۲.

«وَيُنَادِي لِلطَّلَاقِ! فَإِنَّ لِلَّهِ بِهَا كُنُوزٌ لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ؛ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ - حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ (۱)

«آه از طالقان رحمت باد بر طالقان! خدا را در آن شهر گنجینه هایی است که از طلا و نقره نیستند؛ بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته اند و آنان در آخرالزمان، یاوران مهدی علیه السلام خواهند بود».

۳۹ ابونعیم از ابوسعید نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بِنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»؛ (۲)

«از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند».

۴۰ ابوبکر اسکافی، در کتاب فوائد الاخبار از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ كَذَّبَ بِالِدِّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»؛ (۳)

«کسی که دجال را تکذیب کند کافر شده، و کسی که مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر شده است».

۱- ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱۴.

۲- ص ۱۵۸، باب ۹، حدیث ۱.

۳- ص ۱۷۰، باب ۱۲، حدیث ۲.

خدای تعالی را سپاس می گویم که مرا به نقل این چهل حدیث از بین روایات وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام شرافت و توفیق بخشید.

در این باره، هرکس خواستار احادیثی بیشتر و بحثی گسترده تر است، می تواند در کتاب های "مسائید" و "جوامع" و کتاب های مبسوطی چون "بحارالانوار" و "العوالم" و کتاب "کمال الدین" از شیخ صدوق و "غیبت" از شیخ طوسی و "کفایه الاثر" و کتاب ما "منتخب الاثر" به بررسی و تحقیق پردازد. الحمد لله رب العالمین

۱۲ رجب الخیر ۱۴۰۱

قم مقدسه

لطف الله صافی گلپایگانی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

